

## رنگ و زندگی

از مقوله‌های با اهمیت جوامع بشری که تأثیر آن بر بسیاری پوشیده مانده، مقوله رنگ است. شاید بسیاری از افراد با شنیدن چنین جمله‌ای آن را مورد تمسخر یا بی‌اعتنایی قرار دهند، اما وقتی ظرافت‌های درباره رنگ، آشکار می‌گردد، بینش مخاطب نیز تغییر خواهد یافت. بی‌تردید رنگ‌ها در زندگی انسان و همچنین جامعه، نقش پیش‌برنده اهداف و متوقف‌کننده برخی فعالیت‌ها را دارند. این مسئله به دوران کنونی محدود نمی‌شود، زیرا تا آنجا که تاریخ از بشر سخن می‌گوید، رنگ، همواره جزو معیارهای او بوده است؛ البته برای بشر اولیه دو رنگ آشنای کارساز، آبی متمایل به تیره آسمان در هنگام شب، و زرد روشن و متمایل به سفید نور آفتاب بود. او تاریکی و روشنی را ملاک فعالیت‌های خود می‌دانست؛ از این رو رنگ خورشید و نور آن حکایت از تلاش داشت و رنگ شب، رنگ استراحت و توقف کار بود.<sup>۱</sup>

اما امروزه شرایط کار و زندگی و در نتیجه دیدگاه انسان نسبت به رنگ تغییر کرده است. برای درک تأثیر رنگ در محیط‌های اشتغال فعلی، کافی است دو کارخانه یا اداره، با رنگ‌های مختلف، مورد مقایسه قرار گیرند. آزمایش‌های روان‌شناسی و حتی تجربیات شخصی، نشان می‌دهند که کارکرد افراد در شرایط مختلف رنگی در این مکان‌ها، متفاوت است. اصولاً دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم به گونه‌ای رنگ‌بندی شده است که حضور در آن برای ما تحمل‌پذیر می‌کند. اگر لحظه‌ای چشمانمان را ببندیم و با خود فکر کنیم که تمام آسمان قرمز است، به راستی تحمل چنین آسمانی برای مدتی طولانی تا چه اندازه امکان خواهد داشت؟

یا بر عکس اگر تصور کنیم که تمام خاک‌های روی زمین و کوه‌ها آبی هستند، چه احساسی به ما دست خواهد داد؟ گرچه عادت انسان در تحمل‌پذیری او نقش دارد، اما خصلت‌های وجودی از یک سو، و ویژگی‌های مختلف رنگ‌ها، از سوی دیگر، یک تعادل رنگی و در نتیجه یک تعادل روانی را می‌طلبد. امروزه، نه تنها طبیعت رنگی در اطراف ما خود نمایی می‌نماید، بلکه مصنوعات بشری، شاید حتی در بعضی از موارد، بیش از رنگ‌های طبیعت، در قالب اجناس پر نقش و نگار، رنگ را به ما عرضه می‌کنند.

در طول زندگی، وسایل نقلیه‌ای که هر روز با آنها مسافتی را طی می‌کنیم، دیوارخانه‌ای که در آن زندگی می‌نماییم، لباس‌هایی که می‌پوشیم، غذایی که می‌خوریم، ابزاری که با آنها کار می‌کنیم، همه، دارای رنگ‌هایی ویژه هستند؛ بعضی از این رنگ‌ها با خصوصیات روانی ما سازگار، و بعضی در تضادند، گاهی نیز تأثیرات، به سمت خنثی بودن گرایش دارند.

به هر حال، رنگ، برای انسان مقوله‌ای کاملاً مانوس و آشناست. البته بسیاری از افراد به آن فکر نمی‌کنند ولی می‌توان ادعا کرد که در بیشتر مواقع زندگی، به رنگ و تأثیرات آن وابسته‌اند. بشر، از اولین ماه‌های زندگی خود، رنگ را می‌شناسد و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد، هر چند نمی‌تواند به طور دقیق، آنها را تشخیص دهد و به همین دلیل، ممکن است رنگ‌ها را به جای هم نام ببرد. انسان، در سنین پایین، حتی گاهی رنگ را بر شکل مقدم می‌دارد. این گونه احساسات، تا زمان بزرگسالی ادامه می‌یابند، و از آن به بعد، پیروی از خانواده و جامعه آغاز می‌شود.

بدین ترتیب می‌توان ادعا کرد که با توجه به حضور همه جانبه رنگ در زندگی، دانش‌های بیشماری متصدی پرداختن به این مقوله شده‌اند که در بین آنها شیمی، فیزیک، طب، هنر و... به چشم می‌خورند. اهمیت رنگ در بین انسان‌ها نه تنها در احساسات فردی بلکه در مناسبات اجتماعی و ابراز هویت حقوقی نیز وجود دارد. در این مورد می‌توان به فلسفه رنگ‌بندی‌های گوناگون پرچم‌ها در کشورهای مختلف از جمله کشور جمهوری اسلامی ایران اشاره نمود.<sup>۲</sup> اکنون این سؤال مطرح می‌شود که با توجه به حضور گسترده رنگ در زندگی آیا ممکن است چنین مسئله مهمی مورد عنایت قرآن کریم واقع نشده باشد؟ کتاب جامعی که سر لوحه‌ای بی‌نظیر است و معارف غنی آن در سرتاسر زندگی انسان جریان دارد؟! مروری بر فهرست آیات شریفه مرتبط با رنگ به سؤال مذکور پاسخ خواهد داد.

## رنگ در قرآن

قرآن کریم در بسیاری از آیات خود با عنوان کلی رنگ، و یا به تفکیک، رنگ‌های مختلف را ذکر می‌نماید. بی‌تردید تمامی موارد استفاده از این واژه‌ها با دلیل و حکمت خاصی است که برخی از آنها در تفاسیر بیان شده‌اند و بعضی دیگر پوشیده مانده‌اند. در این بخش ما تنها فهرستی از آیات بکار برنده رنگ را ارائه می‌نمائیم و آن‌گاه در بخش‌های بعد به بررسی جزئی مقوله

رنگ خواهیم پرداخت. آیات مذکور در بر گیرنده رنگ را می‌توان دو دسته کلی دانست: یک دسته آنهایی که از واژه «لون» یا «صبغة» استفاده کرده‌اند. یعنی بحث کلی رنگ. و دسته دیگر آنها که رنگهای مختلف را در خود جای داده‌اند. در این جا فهرستی که از آیات مورد بحث ارائه می‌شود به ترتیب قرارگیری رنگها در سوره‌های مبارکه است. البته در ابتدا آیات مربوط به لون و صبغة بیان می‌شوند و سپس به رنگهای بیان شده در قرآن می‌پردازیم.

لون و صبغة در آیات

واژه «لون»، و جمع آن «الوان»، ۹ بار تکرار در هفت آیه از قرآن مجید آمده است. از این تعداد، ۷ مورد به صورت جمع، یعنی «الوان»، و دو مورد مربوط به «لون» است؛ و اما کلمه «صبغة» دو مرتبه و تنها در یک آیه وجود دارد. آیات مربوط به «لون» و «صبغة» به ترتیب قرارگیری در سوره های قرآن کریم چنین می‌باشند:

- ۱ - سوره مبارکه بقره آیه ۶۹  
قَالُوا ادع لنا ربك يبين لنا مالونها قال إنه يقول إنها بقرة صفراء فاقع لونها تسر الناظرين»
- ۲ - سوره مبارکه بقره آیه ۱۳۸  
صبغة لله و من أحسن من الله صبغة و نحن له عابدون»
- ۳ - سوره مبارکه روم آیه ۲۲  
و من آياته خلق السموات و الأرض و اختلاف ألسنتكم و ألوانكم إن في ذلك لآيات للعالمين»
- ۴ - سوره مبارکه نحل آیه ۱۳  
«و ما ذرأكم في الأرض مختلفاً الوانه إن في ذلك لآية لقوم يذكرون»
- ۵ - سوره مبارکه نحل آیه ۶۹  
ثم كلى كلى من كل الثمرات فاسلكى سبل ربك ذللاً يخرج من بطونها شراباً مختلفاً ألوانه فيه شفاء للناس إن في ذلك لآية لقوم يتفكرون»
- ۶ - سوره مبارکه فاطر آیه ۲۷  
ألهم تر أن الله أنزل من السماء ماء فأخرجنا به ثمرات مختلفاً ألوانها و من الجبال جدد بيض و حمر مختلف ألوانها و غرابيب سود»
- ۷ - سوره مبارکه فاطر آیه ۲۸  
و نحن الناس و الدواب و الانعام مختلف ألوانه كذلك إنما يخشى الله من عباده العلماء إن الله عزيز غفور»
- ۸ - سوره مبارکه زمر آیه ۲۱  
ألهم تر أن الله أنزل من السماء ماء فسلكه ينابيع في الأرض ثم يخرج به زرعاً مختلفاً ألوانه ثم يهيح فتريه مصفراً ثم يجعله حطاماً إن في ذلك لذكرى لأولى الألباب»

رنگ زرد در آیات

رنگ زرد با واژه‌های صفر، صفراء و مصفراً، ۵ بار در آیات قرآن کریم معرفی شده است. این آیات عبارتند از:

- ۱ - سوره مبارکه بقره آیه ۶۹  
قَالُوا ادع لنا ربك يبين لنا ما لونها قال إنه يقول إنها بقرة صفراء فاقع لونها تسر الناظرين»
- ۲ - سوره مبارکه روم آیه ۵۱  
«و لئن أرسلنا ريحاً فرأوه مصفراً لظلوا من بعده يكفرون»
- ۳ - سوره مبارکه زمر آیه ۲۱  
ألهم تر أن الله أنزل من السماء ماء فسلكه ينابيع في الأرض ثم يخرج به زرعاً مختلفاً ألوانه ثم يهيح فتريه مصفراً ثم يجعله حطاماً إن في ذلك لذكرى لأولى الألباب»
- ۴ - سوره مبارکه حدید آیه ۲۰  
«إعلموا إنما الحیوة الدنيا لعب و لهو و زينة و تفاخر بینکم و تكاثر فی الأموال و الأولاد كمثل غیث أعجب الكفار نباته ثم يهيح فتریه مصفراً ثم يكون حطاماً و فی الآخرة عذاب شدید و مغفرة من الله و رضوان و ما الحیوة الدنيا الا متاع الغرور»
- ۵ - سوره مبارکه مرسلات آیه ۳۳  
«كانه جمالت صفر»

رنگهای سفید و سیاه در آیات

رنگ سفید در ۱۲ آیه قرآن کریم آمده است. کلمات قرآنی مربوط به این رنگ، ابيضت، تبيض، ابيض، بیضاء و بیض می‌باشند. اولین کلمه مربوط به این رنگ، ابيض است که در سوره مبارکه بقره قرار دارد. اما رنگ سیاه ۷ بار و در ۶

آیه قرآن کریم وجود دارد. در این بین ۳ مرتبه به صورت مشترک با رنگ سفید و ۳ مرتبه به طور مستقل، مورد استفاده قرار گرفته است. واژه سیاه در قرآن، شامل کلمات اسود، اسودت، مسوداً، مسودة و سود می‌باشد. در این بخش، ما سفید و سیاه را تفکیک نمی‌کنیم بلکه برخی آیات را به ترتیب سوره‌های مبارکه، به طور متوالی، ذکر می‌نماییم. با این حساب، آیات به کار برنده رنگ‌های سفید و سیاه عبارتند از:

۱ - سوره مبارکه بقره آیه ۱۸۷  
«أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ عَلَّمَ اللَّهُ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُمْ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُمْ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ».

۲ - سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۰۶  
يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ».

۳ - سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۰۷  
وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ».

۴ - سوره مبارکه اعراف آیه ۱۰۸  
وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ».

۵ - سوره مبارکه یوسف آیه ۸۴  
«تَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يَوْسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ».

۶ - سوره مبارکه نحل آیه ۵۸  
«وَإِذَا بَشَّرَ أَحَدَهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مَسْوُودًا وَهُوَ كَظِيمٌ».

۷ - سوره مبارکه طه آیه ۲۲  
«وَأَضْمَمَ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سَوَاءٍ آيَةٍ أُخْرَىٰ».

۸ - سوره مبارکه شعراء آیه ۳۳  
«وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ».

۹ - سوره مبارکه نمل آیه ۱۲  
«وَأَدْخَلَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سَوَاءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ».

۱۰ - سوره مبارکه قصص آیه ۲۲  
«اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سَوَاءٍ وَأَضْمَمَ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ».

۱۱ - سوره مبارکه فاطر آیه ۲۷  
أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ».

۱۲ - سوره مبارکه صافات آیه ۴۶  
«بَيْضَاءَ لَذَّةً لِلشَّارِبِينَ».

۱۳ - سوره مبارکه صافات آیه ۴۹  
«كَأَنَّهِنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ».

۱۴ - سوره مبارکه زمر آیه ۶۰  
«وَيَوْمَ قَلِيلًا مَ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ اللَّهِ وَجُوهُهُمْ مَسْوَدَةٌ أَلْيَسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ».

۱۵ - سوره مبارکه زخرف آیه ۱۷  
وَإِذَا بَشَّرَ أَحَدَهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهَهُ مَسْوُودًا وَهُوَ كَظِيمٌ.

رنگ سبز در آیات

در قرآن کریم کلمات خضر خضراً أخضر و مخضرة به معنی سبز آمده اند. البته دو کلمه دیگر نیز وجود دارد که از آنها نیز به سبزی تعبیر می‌شود. یکی کلمه مدهامتان در سوره مبارکه الرحمن، و دیگری کلمه أحوی در سوره اعلی. به این ترتیب، مجموعه دفعات کاربرد رنگ سبز در قرآن کریم، ۱۰ مورد است. آیات شامل رنگ سبز، به ترتیب چنین می‌باشند:

۱ - سوره مبارکه انعام آیه ۹۹  
«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجَ مِنْهُ حَبًّا مَاتِرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ الزَّيْتُونِ وَ الرِّمَّانِ مُشْتَبِهًا وَ غَيْرِ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ يَنْعَهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ».

۲ - سوره مبارکه یوسف آیه ۴۳

«و قال الملك انِّي ارى سبع بقرات سمان يأكلهن سبع عجاف و سبع سنبلات خضر و آخر يابسات يا ايها الملأ أفتوني في رؤياي إن كنتم للرؤيا تعبرون».

۳ - سوره مبارکه يوسف آيه ۴۶

«يوسف ايها الصديق أفتنا في سبع بقرات سمان يأكلهن سبع عجاف و سبع سنبلات خضر و آخر يابسات لعلى أرجع إلى الناس لعلهم يعلمون».

۴ - سوره مبارکه يس آيه ۸۰

«لذی جعل لكم من الشجر الاخضر نارا فإذا أنتم منه توقدون».

۵ - سوره مبارکه كهف آيه ۳۱

«اولئك لهم جذات عدن من تحتهم الانهار يحلون فيها من أساور من ذهب و يلبسون ثياباً خضراً من سندس و إستبرق متكئين فيها على الأرائك نعم الثواب و حسنت مرتفقاً».

۶ - سوره مبارکه حج آيه ۶۳

«لم تکر أن الله أنزل من السماء ماء فتصبح الأرض مخضرة إن الله لطيف خبير».

۷ - سوره مبارکه الرحمن آيه ۷۶

«تکئین علی رفرف خضر و عبقري حسان».

۸ - سوره مبارکه انسان آيه ۲۱

«عالیهم ثياب سندس خضر و استبرق و حلوا أساور من فضة و سقاهم ربهم شراباً طهوراً».

### رنگ قرمز در آیات

قرمز با واژه «حمر» در قرآن کریم، تنها یکبار و آن هم در آیه ۲۷ سوره مبارکه فاطر با همراهی رنگهای دیگر آمده است. این آیه در فهرست مربوط به لون و رنگهای سفید و سیاه ذکر شد.

### شرح لون در آیات

چنان که در کتاب لغت آمده، لون کلمه‌ای معروف است و بر سفید و سیاه و آنچه از این دو ترکیب می‌شود اطلاق می‌گردد. ۳۰ لسان العرب، لون را هیئتی مانند سیاهی و قرمزی و نیز آنچه عامل تمایز و جدایی دو چیز است، بیان می‌کند، ۴ البته از نظر علمی این تعریفها واقعاً کامل نیست و دلیل این مدعا در بررسی‌های انجام شده علمی آشکار است. براساس علوم بشری، رنگ وابسته به نور است و بر اساس ظرفیت بینایی انسان دیده می‌شود. از آنجا که نور به صورت امواج می‌باشد، نوع رنگ نیز با میزان طول موج نور تغییر خواهد کرد و بدین ترتیب در محدوده مشخصی از امواج وسیع نورانی، رنگها بسته به میزان طول موج در مقابل دیدگان انسان ظاهر خواهند شد. متوسط این میزان در کتب فیزیکی بین ۴۰۰ تا ۷۰۰ نانومتر است) هر نانومتر یک میلیونیم میلیمتر است( بدیهی است که در این محدوده رنگهایی مختلف به صورت مستقل یا ترکیبی دیده می‌شوند. البته جزئیات این بحث مفصل است و ما قصد پرداختن به آنها را نداریم و این میزان نیز برای روشن نمودن پیچیدگی‌های ماهیت رنگ بیان شد. به هر حال آیاتی را که در این رابطه مورد بررسی قرار می‌دهیم، عبارتند از:

۱ - سوره مبارکه نحل آيه ۱۳

«و ما ذرأکم فی الارض مختلفاً ألوانه إن فی ذلك لایة لقوم یدکرون».

(علاوه بر این( مخلوقات را که در زمین آفریده نیز مسخر( فرمان شما) ساخت، مخلوقاتی با رنگهای مختلف؛ در این، نشانه روشنی است برای گروهی که متذکر می‌شوند.»

در آیات قبل این سوره مبارکه، نعمتهایی مختلف به عنوان نشانه برای متفکران و عاقلان ذکر می‌شود ولی درباره ألوان، قوم متذکر، مطرح‌ند. در تفسیر نمونه آمده است که دلیل ذکر گروه‌های مختلف درباره هر کدام از نعمتها مرتبط با آن نعمت خاص است، مثلاً درباره زراعت و زیتون و نخل و انگور و به طور کلی میوه‌ها باید بیشتر اندیشه کرد ولی درباره رنگهای نعمتهای موجود آنقدر مسئله روشن است که تنها تذکر و یادآوری کافی است. ۶ هر چند این بیان تفسیری در یک نگاه عام، بسیار معقول است اما با توجه به مسایل بیان شده به نظر می‌رسد توجه به ألوان در آیه شریفه به تأمل و موشکافی نیاز دارد.

و اما تفسیر میزان، مورد دیگری را درباره این آیه مطرح می‌کند که بیانش خالی از لطف نیست. در این تفسیر آمده است:

«اختلاف ألوان آنچه که در زمین خلق کرده از گیاهان و درختها و میوه‌ها، امری است که با آن می‌توان بر وحدانیت و یکتایی خدا، در ربوبیت استدلال کرد، چون امر واحدی است لذا فرمود: لآیه و نفرمود: لآیات».

مسئله قابل ذکر دیگر اینکه ممکن است منظور از ألوان، انواع نعمتها باشد. ۸. در لسان العرب نیز یکی از معانی لون، نوع ذکر شده است. ۹

فَهُمْ كَلِيَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سَبِيلَ رَبِّكَ ذَلِكُمْ يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ  
الْوَانَهُ فَيَهْ شَفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ».

سپس از تمام ثمرات تناول کن، و راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده به راحتی بییما؛ از درون شکم آنها نوشیدنی خاص، به رنگ‌های مختلف که در آن شفای مردم است بیرون می‌آید. در این، نشانه روشنی است برای جمعیتی که اهل فکرنند.

در این آیه سخن از وحی به زنبور عسل است که چه مسیری را طی می‌کند و سپس ماده‌ای رنگارنگ تولید می‌نماید که برای مردم شفاء است. «رنگ‌های مختلف عسل از رنگ‌های مختلف گلها ناشی می‌شود. رنگ گلها را چند ماده قندی درست می‌کند و چون این دو مسئله یعنی رنگ عسل با رنگ گلها بستگی مستقیم دارد پس هر عسل با رنگ مخصوص خود، ماده قندی خاصی دارد و نتیجه فعل و انفعالات آنهاست. فاصله‌ای که بین شراب و خاصیت شفاء دهندگی آن است یعنی «مختلف الوانه» از نکات زیبای قرآن است که کتابهای گیاه‌شناسی نیز خواص درمانی گیاهان را مربوط به عناصر قندی موجود در آنها می‌داند» ۱۰. از طرفی تنوع رنگها برای سلیقه‌های مختلف نیز رضایت بخش است. «امروزه ثابت شده است که رنگ غذا در تحریک اشتهاى انسان بسیار مؤثر است. قدیمی‌ها نیز گویا این مسئله روانی را شناخته بودند که غذاهای خود را با زعفران و زردچوبه و رنگهای دیگر رنگین می‌ساختند تا از طریق بصری نیز میهمانان‌شان را به خوردن غذا تشویق نمایند.» ۱۱

«وَمِن آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافَ أَلْسِنَتِكُمْ وَ الْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ».

و از آیات او آفرینش آسمانها و زمین و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماست. در این، نشانه‌هایی است برای عالمان رنگ‌شناسی یکی از راه‌های خداشناسی است. وقتی انسان به اختلاف رنگها نگاه می‌کند، قدرت خداوند را بیشتر می‌فهمد. انسان‌ها به اندازه‌ای زیادند که اگر عامل تمایزی وجود نداشت، برای ارتباط با یکدیگر مشکلی جدی به وجود می‌آمد، ولی حکمت خداوندی بر این تعلق گرفته است که تفاوت زبان و رنگ، شناخت را آسان کند و البته در این شناخت، راهی برای معرفت‌کردگار نیز وجود دارد. چنین حکمتی از الطاف خداوندی است که شامل حال بندگان شده است و گرنه تعداد زیاد انسان‌ها که جای خود دارد، ممکن بود برای دو انسان کاملاً شبیه به یکدیگر و یا افراد مرتبط با آنها مشکلاتی بروز کند، چنان که درباره افراد دو قلوبی یکسان چنین مواردی اتفاق می‌افتد. «فخر رازی ذیل آیه مورد بحث می‌نویسد:

«شناسایی انسان نسبت به انسان یا باید از طریق چشم حاصل شود یا به وسیله گوش، خداوند برای تشخیص چشم، رنگها و صورتها و شکلها را مختلف آفریده و برای تشخیص گوش، اختلاف آوازا و آهنگهای صدا را ایجاد کرده است، به طوری که در تمام جهان نمی‌توان دو انسان را پیدا کرد که از نظر چهره و آهنگ صدا از تمام جهات، یکسان باشند» ۱۲. بعضی از مفسران معتقدند که منظور از اختلاف رنگها، اختلاف نژادهاست و هر نژادی رنگی دارد. آگاهی بر اسرار این تنوع و گوناگونی، از عهده عالمان و اندیشمندان بر می‌آید. ۱۳

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَ غَوَابِيبٌ سُودٌ. وَ مِنَ النَّاسِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ».

آیا ندیدی خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد که به وسیله آن میوه‌هایی رنگارنگ (از زمین) بیرون آوردیم و از کوه‌ها نیز (به لطف پروردگار) جاده‌هایی آفریده شده سفید و سرخ و به رنگ‌های مختلف و گاه به رنگ کاملاً سیاه. و از انسان‌ها و جنبنندگان و چهارپایان انواعی با رنگ‌های مختلف؛ (آری) حقیقت چنین است. از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می‌ترسند؛ خداوند توانا و آمرزنده است.

در این آیه شریفه، هم از موضوع رنگ صحبت شده و هم رنگ‌هایی گوناگون بیان گردیده است. اینجا نیز سخن از اختلاف الوان است که سرانجام سبب معرفت، مخصوصاً برای دانشمندان خداترس می‌شود. البته درباره اختلاف رنگها تفسیرهای گوناگون وجود دارد، از جمله اینکه مقصود، نعمت‌های مختلف با رنگ‌های گوناگون ظاهری است؛ و شاید هم منظور، اختلاف در نوع رنگها، اعم از طعم و ساختمان و خواص گوناگون آنها باشد.

رنگ‌های مختلف کوه‌ها نیز خود مسئله‌ای شگفت‌انگیز است که بر قدرت خداوند گواهی می‌دهد. رنگ‌های گوناگون کوه‌ها علاوه بر زیبایی، برای پیدا کردن راه‌ها در پیچ و خمهای کوهستان است. این رنگ‌ها که در آیه شریفه بیان شده، «بیش» و «حمر» و «غرابیب سود» می‌باشند. در این بین، «بیش» جمع «ابیش» به معنی سفید، «حمر»، جمع «احمر» به معنی قرمز، «غرابیب» جمع «غریب» به معنی سیاه پر رنگ، و «سود» جمع «اسود» به معنی سیاه است. پشت سر هم قرار گرفتن غرابیب و سود، تأکیدی بر سیاهی شدید بعضی از جاده‌های کوهستانی است. البته احتمال دیگری نیز در بحث مربوط به اختلاف رنگ‌های کوه‌ها وجود دارد. شاید مقصود، خود کوه‌ها باشد که مانند خطوط و جاده‌هایی بر روی زمین قرار گرفته‌اند. ۱۴

به جز این مسایل، خواص ویژه سنگ و خاک کوه‌های مختلف که رنگشان نیز متفاوت است در زمین‌شناسی جایگاهی خاص دارد. در آیه مورد بحث، سه بار کلمه الوان تکرار می‌شود و در این سه مرتبه، سه گروه از موجودات نیز مطرح می‌گردند. در آغاز سخن از ثمرات و میوه‌هاست، سپس کوه‌ها، و بالاخره انسان‌ها، جنبندگان و حیوانات بیان می‌شوند. درباره انسان‌ها و اختلاف رنگشان توجه به یک نکته جالب است و آن، اینکه «گذشته از چهره ظاهری، رنگ‌های باطنی، و خلق و خوی آنها و صفات و ویژگی‌های آنان و استعداد و ذوق‌هایشان، کاملاً متنوع و مختلف است، تا مجموعاً یک واحد منسجم با تمام نیازمندی‌ها را به وجود آورد.» ۱۵

درباره اختلاف تفسیر پیرامون اختلاف الوان، «المیزان»، به دلیل وجود رنگ‌های بیض و حمر، در بحث کوه‌ها، اختلاف رنگ‌های ظاهری را تأیید می‌کند نه تفاوت طعم و خاصیت و نوع آنها؛ در آنجا آمده است: «در کوه‌ها، اختلاف انواع نیست، تنها اختلاف الوان است.» ۱۶ البته به نظر می‌رسد این بیان تفسیری در برگیرنده تمام وجوه حکمت‌های آفرینش کوه‌ها نیست زیرا آنها نیز همگام با تفاوت رنگ‌هایشان خواصی مختلف از خود بروز می‌دهند. «الدر المنثور» نیز با بیان روایات به اختلافات پیرامون تفسیر کوه‌های رنگارنگ می‌پردازد. در آنجا علاوه بر بحث‌های مطرح شده، اختلاف و گوناگونی مردم در ترس از خدا نیز بیان می‌گردد و پس از تفسیرهای گوناگون درباره رنگ‌ها چنین آمده است: «يختلف الناس في خشية الله كذلك» ۱۷ یعنی بحث خشیت از خداوند به نوعی با معانی رنگ و اختلاف آن گره می‌خورد.

شرح و تفسیر «صبغة» در آیات:

آیه ۱۳۸ سوره مبارکه بقره به صبغة می‌پردازد.

«صبغة» الله و من احسن من الله صبغة و نحن له عابدون»

«رنگ خدایی (بپذیرید: رنگ ایمان و توحید و اسلام) و چه رنگی از رنگ

خدایی بهتر است؟ و ما تنها او را عبادت می‌کنیم.»

به راستی چرا خداوند رنگ را به خود نسبت می‌دهد؟ چنان که در آیه ۲۵ سوره مبارکه نور نیز نور به خدا نسبت داده می‌شود. آیا ممکن است در این آیات

نیز بتوان به ارتباط بین نور و رنگ پرداخت؟

پاسخ به این سؤال دقت و اظهار نظر مفسران را می‌طلبد.

در معنای «صبغة» از نظر عقلی و غیر حسی اختلاف نظر است، گرچه دیدگاه‌های گوناگون، قابل جمع‌اند؛ چنان که در ترجمه، ایمان، توحید و اسلام که هر کدام جداگانه می‌توانند مصداقی مستقل برای صبغة باشند، همراه هم و پیوسته به یکدیگر آمده‌اند.

برای فهمیدن معنای دقیق‌تر صبغة سراغ کتاب لغت می‌رویم. در مفردات آمده است: «الصبغ: المصبوغ» ۱۸ صبغ به عنوان اسم مفعول، یعنی رنگ شده، است؛

آنگاه، راغب، صبغة را عاملی متمایز کننده بین انسان و حیوان می‌شمارد و آن را فطرتی الهی می‌داند. ۱۹ لسان العرب نیز مانند این معنی و همچنین

مواردی دیگر را بیان می‌کند، از جمله گوید صبغة الله به معنی دین خدا و فطرت خدایی است و نیز الصبغ یعنی فرو رفتن در چیزی سیال مانند آب؛ از

طرفی در کلام عرب به تغییر نیز صبغ گفته می‌شود مثلاً صبغ الثوب به معنی تغییر حالت لباس به دلیل تغییر رنگ آن می‌باشد. ۲۰

درباره «صبغة» ماجرای در بعضی تفاسیر نقل شده است از جمله «غراء می‌گوید:

«این تعبیر به این جهت است که بعضی از نصاری، نوزادان خود را در آب

مخصوص که معمودیه نامیده می‌شد، فرو می‌بردند و این عمل را تطهیر آن نوزاد می‌دانستند. در این آیه نظر به این نکته است که رنگ‌آمیزی خدا که همان

فطرت پاک است، تطهیر شماسست نه آن تطهیری که آنها گمان می‌کنند.» ۲۱

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «الصبغ صبغة الله یعنی از اسلام که مقتضای فطرت الهی است پیروی کنید.» ۲۲ برای تفسیر صبغة در این آیه شریفه

مواردی از قبیل رنگ، وحدت، عظمت، پاکی، پرهیزکاری، عدالت و مساوات،

برادری و برابری، توحید، اخلاص و بالاخره رنگ بی رنگی و حذف همه رنگها به عنوان رنگ نهایی نیز بیان شده است. ۲۳

در روایات اهل سنت نمونه‌هایی وجود دارد که تعبیر صبغة تا اندازه‌ای، مادی و فیزیکی می‌شود. مثلاً از ابن عباس نقل شده است که «رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: بنی اسرائیل به موسی علیه السلام گفتند آیا خدا تو را رنگ می‌کند؟ گفت: پروا کنید از خداوند، پس پروردگارش به او نداد داد؛ ای موسی! از تو می‌پرسند که آیا پروردگارت تو را رنگ می‌کند؟ بگو: آری، من با رنگهای قرمز، سفید و سیاه رنگ می‌شوم و همه رنگها در رنگ من است. و خداوند بر پیامبرش نازل کرد: صبغة الله و من احسن من الله صبغة» ۲۴

و یا ابن ابی نجار در تاریخ بغداد از ابن عباس نقل می‌کند که منظور از صبغة الله رنگ سفید است. ۲۵ این روایت می‌تواند با قوانین علمی بیان شده درباره نور و رنگ تطبیق یابد هر چند اطمینان یافتن درباره صحت روایت بحث دیگری است.

در کافی معنای دیگری برای صبغة بیان شده است. بنا به روایتی، رنگ خدایی، رنگ ولایت است که به مؤمنین داده می‌شود. علامه طباطبائی رحمه الله این معنی را به دست آمده از باطن آیه می‌داند. ۲۶

همان‌طور که از مجموع بحثها برمی‌آید موضوع بحث در قرآن هم جنبه‌های حسی دارد و هم مفاهیم معنوی را القاء می‌نماید که البته در این صورت نیز دستکم در مقام تشبیه، علم به خواص ظاهری و محسوس رنگها، درک معانی باطنی را هموارتر می‌نماید. تاکنون رنگ در شکل کلی خود با واژه‌های لون و صبغة مورد بررسی قرار گرفت. به یاری خداوند در مجالی دیگر رنگها را به صورت تفکیکی مورد دقت قرار می‌دهیم.

- ۱ - ر.ک. لوشر، ماکس، روانشناسی رنگها، ترجمه ویدا ابی زاده، چاپ پانزدهم، انتشارات درسا، ۲۰ □ ۱۳۷۹.
- ۲ - ر.ک. خیر اندیش، رسول، و شایگان، سیاوش، ریشه‌یابی نام و پرچم کشورها، چاپ اول، انتشارات کویر. ۱۱۵-۱۶ □ ۱۳۷۰.
- ۳ - اصفهانی، راغب، مفردات، ۷۵۱.
- ۴ - ابن منظور، محمد ابن مکرم، لسان العرب، نرم افزار نور ۲، بی تا، ج ۳۹۳ □ ۱۳.
- ۵ - طباطبایی، غلامرضا، فصلی در نور و رنگ، ۳۸/ و نیز یوجین، هشت و آلفرد، زایاک، نور شناخت، ۵۸.
- ۶ - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۷۶ □ ۱۱.
- ۷ - طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ۳۱۷ □ ۱۲.
- ۸ - همان.
- ۹ - ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۳۹ □ ۱۳.
- ۱۰ - پانک‌نژاد، رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، ۱۷۸/۵.
- ۱۱ - مکارم شیرازی، ناصر، نمونه، ۳۰۱-۳۰۲ □ ۱۱.
- ۱۲ - همان، ۱۶/۳۹۵.
- ۱۳ - همان.
- ۱۴ - همان، ۱۸/۲۴۳.
- ۱۵ - همان، ۲۴۶.
- ۱۶ - طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ۱۷/۵۸.
- ۱۷ - السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، الدر المنثور، ۵/۲۴۹.
- ۱۸ - اصفهانی، راغب، مفردات، ۴۷۵.
- ۱۹ - همان.
- ۲۰ - ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۴۳۷-۴۳۸ □ ۸.
- ۲۱ - طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان، ۲/۷۹.
- ۲۲ - همان.
- ۲۳ - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۴۷۳-۴۷۴ □ ۱.
- ۲۴ - السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، الدر المنثور، ۱/۱۴۱.
- ۲۵ - همان.
- ۲۶ - طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ۱/۴۷۵.